



هدیار مهم مفسر و معلم قرآن به مسئولین حوزه‌ها و دانشگاه‌ها

مفسر و معلم قرآن در نامه‌ای خطاب به مسئولین حوزه و دانشگاه با تأکید بر اینکه، بخش مهمی از درس‌های حوزه و دانشگاه غیرکاربردی است، گفت: خاک باغچه حوزه و دانشگاه باید عوض شود...

اعتدال: مفسر و معلم قرآن در نامه‌ای خطاب به مسئولین حوزه و دانشگاه با تأکید بر اینکه، بخش مهمی از درس‌های حوزه و دانشگاه غیرکاربردی است، گفت: خاک باغچه حوزه و دانشگاه باید عوض شود.

حجت الاسلام والمسلمین قرائتی در این نامه نوشته‌است: زمانی که این نامه را می‌نویسم، در بستر بیماری هستم و بعد از هفتاد سالگی قرار دارم.

شاید بتوان گفت یکی از مهم‌ترین عوامل مشکلات امروز آن است که بخش مهمی از درس‌های حوزه و دانشگاه، مباحث نظری یا محفوظات یا اطلاعات غیرکاربردی است، و در این زمین‌ها میوه‌های مطلوبی به بار نمی‌نشینند. انقلابی باید بشود که در آن خاک این باغچه عوض گردد. به تمام کتاب‌ها و درس‌ها نگاه کاربردی شود، نمره‌ها و مدارک، بر اساس مهارت‌ها ارائه گردد. به نقل از به نقل از مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، حجت الاسلام قرائتی در نامه‌ای خطاب به مسئولین فرهنگی، حوزه‌ها و دانشگاه‌ها از دغدغه‌های مربوط به تحصیل نسل نو در حوزه و دانشگاه نوشت.

* متن این نامه، به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر مبارک مسئولین فرهنگی، حوزه‌ها و دانشگاه‌ها(دامت برکاتهم)

سلام علیکم

اینجانب بیش از نیم قرن طلبه هستم و بیش از چهل سال معلم، و بیش از سی و هفت سال در شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی با محوریت قرآن و نسل نو، و سبک جدید و با توجه به استقلال و وابسته نبودن به هیچ شخص و گروه و بدون تأمین اعتبار همراه با هر سال، حدود هفتاد سفر، و نوشتن سبک خود در چند کتاب و صدها کلاس برای کسانی که علاقه به معلمی و تدریس مسایل دینی داشته‌اند، به اینجا رسیده‌ام که عصاره‌ی تجربیاتم را به اساتید به عنوان زیره به کرمان، بیان کنم.

در زمستان امسال (1395) در اثر یک بیماری که یک ماهی فرصت استراحت بعد از عمل جراحی به من داده شد، زمانی برای بازگشت به کارهای خود و برنامه‌های حوزه و دانشگاه، پیدا کردم. زیرا با توفیق الهی هفته‌های زیادی در حوزه علمیه قم، برای طلاب جوان و هفته‌ای چند روز در دانشگاه تهران از نزدیک با نسل فرهیخته حوزه و دانشگاه مانوس هستم.

لازم دیدم آنچه را که به یقین درک کرده‌ام، به دیگران بگویم. از این چند سطر مقدمه عذرخواهی می‌کنم.

به سراغ اصل مطلب برویم؛

* باید خاک باغچه حوزه و دانشگاه عوض شود

شاید بتوان گفت یکی از مهم‌ترین عوامل مشکلات امروز آن است که بخش مهمی از درس‌های حوزه و دانشگاه، مباحث نظری یا محفوظات یا اطلاعات غیرکاربردی است، و در این زمین‌ها میوه‌های مطلوبی به بار نمی‌نشینند.

انقلابی باید بشود که در آن خاک این باغچه عوض گردد. به تمام کتاب‌ها و درس‌ها نگاه کاربردی شود، نمره‌ها و مدارک، بر اساس مهارت‌ها ارائه گردد. (البته با حفظ بخش‌هایی از اطلاعات و محفوظات)

امروز آموزش و پرورش ما دیپلم تربیت می‌کند، اما چند درصد از آنان نوعی مهارت دارند که بعد از دیپلم وارد بازار کار شوند، به کسب و مهارتی برسند، ازدواج کنند، منتظر استخدام نباشند، از دولت توقع نداشته باشند و به خاطر آنکه از تحصیلاتش کام گرفته است، به نظام علاقمند و از نظر روحیه جوانی بانشاط باشد؟

امروز اکثر تحصیل‌کردگان خاک آموزش و پرورش، بی‌مهارت، بی‌درآمد، بی‌کار، بی‌نشاط، بدبین، پرتوقع، و کار را ننگ می‌دانند. آیا نباید این خاک عوض شود؟

امروز بسیاری از خروجی‌های دانشگاه‌ها نیز جز محفوظات و مدرک، هیچ مهارتی ندارند. و مدرک برای آن‌ها مانع کار است و جوانانی هستند پرتوقع و مطالبه‌گر و کسانی که بدون هیچ گونه تولیدی مصرف‌گرا و منتظر استخدام و کار دولتی هستند و

حتی حاضر نیستند، مهارت‌های پدر خود را فرا بگیرند.

اساتید عزیز!!!

نداشتن مهارت یعنی نداشتن شغل! و نداشتن شغل یعنی نداشتن درآمد، و نداشتن درآمد یعنی نداشتن همسر و فرزند و نشاط، و نداشتن این‌ها یعنی افسردگی، اعتیاد، توجه به فیلم‌ها و برنامه‌های فاسد، فاسد شدن و دیگران را فاسد کردن، بی‌اعتقادی به اسلام و نظام و...

حوزه‌های علمیه نیز اینگونه است.

باید برای طلاب به نحوی برنامه‌ریزی شود که هر طلبه‌ای یک یا چند مهارت تبلیغی داشته باشند. البته حساب کسانی که توان اجتهاد دارند، و از نظر روحی آماده فقیه شدن هستند، از دیگران جداست.

اگر ما چند مرجع و چند صد مدرس نیاز داریم، در عوض ده‌ها هزار روحانی استاد و مهارت دیده لازم داریم.

اگر هر پنج یا ده مدرسه یک معلم خوش سلیقه داشته باشد که بتواند پاسخگوی نسل نو باشد و مهارت‌های لازم را دیده باشد، ما ده‌ها هزار طلبه فاضل لازم داریم.

مهارت‌های حوزه بسیار است، از جمله: تدریس عقاید، تدریس فقه، و آموزش احکام، مهارت‌های برخورد‌های اخلاقی، مهارت مناظره، مهارت نوشتن، مهارت تفسیر و سخنرانی، و علاوه بر این‌ها، مهارت‌های تخصصی بالاتر، که بحمدالله بخشی از آن‌ها در حوزه ایجاد شده ولی، باز در همان مهارت‌ها به جنبه‌ی نظری بیش از جنبه‌ی کاربردی توجه شده است.

هر طلبه باید آنگونه تدریس کند که عوام بفهمد و خواص بیسندد. آنگونه باشد که از درون خود، بتواند جلسات و کلاس‌هایی را بدون تأمین اعتبار و وابستگی ایجاد کند، تمام روحانیون به خصوص روحانیون جوان باید شیوه‌های جذب نسل نو را در حوزه فراگیرند. شیوه‌های دعوت به نماز، شیوه سبک زندگی درست، شیوه بیان تفسیر قرآن و روایات، استفاده از تاریخ و مثال و داستان و هنر، هر کدام مهارتی است.

* مشکل ما، طرح تحول نیست، مشکل مرد تحول است

گرچه دولت طرح تحولی و یا چشم‌اندازی بیست ساله تهیه کرده است، اما مشکل ما، طرح تحول نیست، مرد تحول است. عوض کردن خاک این باغچه‌ها نیاز به یک عزم راسخ و جرأت و جسارت و نوعی خط‌شکنی دارد. زمانی ما موفق هستیم که اگر امکاناتی داشتیم از آن‌ها استفاده کنیم، و اگر نداشتیم خود ما آن امکانات را فراهم کنیم.

خوشبختانه کم و بیش به این مسأله توجه شده است که مثلاً تأسیس دانشگاه فرهنگیان برای آن است که معلم در چهار سال مهارت‌های معلمی را بییند. تأسیس دانشگاه علمی و کاربردی به خاطر توجه به همین نوع مهارت‌ها است. رشته‌های تخصصی در حوزه‌ها، با توجه به این امر است ولی این کافی نیست. ما باید از همه‌ی ظرفیت‌ها استفاده کنیم. حتی اگر نوجوانی در اولین هفته و ماه و سال که وارد حوزه می‌شود، از همان روز به او گفته شود که تو باید در نماز جماعت مدرسه شرکت کنی، و اذان بگویی! ماه دوم به او گفته شود، تو باید یک داستان از داستان راستان در بین دو نماز بگویی! در سال بعد به او گفته شود، باید یک مقاله‌ای که در آن چند آیه قرآن باشد، بنویسی. اگر شنا نمی‌داند، آموزش بییند. اگر دست خط او ضعیف است، در نزد استاد خط دوره بییند. از روز اول قرائت نماز و تجویدش بی‌مسأله باشد و هم‌چنین هر سال برای نوعی مهارت برنامه‌ریزی شود.

خیال نشود که فرصت نیست. حوزه و دانشگاه تقریباً نیمی از سال تعطیل است. (سه ماه تابستان، ایام عید نوروز، تعطیلات بین ترم، مناسبت‌های شهادت و ولادت، 52 جمعه و 52 پنجشنبه در هر سال) بعضی از مهارت‌ها، چند ساعتی بیش‌تر به زمان نیاز ندارد. شبیه مهارت رانندگی که حدود بیست الی سی ساعت وقت برای فراگیری لازم دارد. اگر این خاک باغچه عوض نشود، و مهارت‌ها را به جای محفوظات نگذاریم و فقط به مدرک بسنده کنیم، هیچ دولتی مسأله‌ی اشتغال را نمی‌تواند حل کند. و بسیاری از طلاب جوان، پس از چند ماه و سال، همین که دیدند مهارتی برای تبلیغ ندارند، از ادامه تحصیل دلسرد می‌شوند و حوزه‌ها ریزش می‌کنند. اما اگر هر کس با مهارت خود، خودش را فعال یافت، به ادامه تحصیل و کار دلگرم می‌شود. و هیچ احساس پوچی و حقارت نمی‌کند.

چرا در مجامع تصمیم‌گیری از صاحبان مهارت فقط به خاطر آنکه فلانی دکتر یا مجتهد نیست، دعوت نمی‌شود. ما غافل هستیم که گاهی یک صاحب مهارتی می‌تواند جمعی را از بن بست خارج کند و با مهارت خود کلید اشتغال و ازدواج و اقتصاد و استقلال و نشاط به دست دیگری بدهد، در حالی که گاهی دارندگان مدارک عالی نمی‌توانند این اثر را داشته باشند.

اینجانب با لطف خداوند، بیش‌ترین تبلیغ را در حوزه و دانشگاه و صدا و سیما داشته‌ام، ولی اگر از من سؤال شود، چند ساعت از مهارت‌های شما، استفاده شده است، جواب شیرینی ندارم. و بارها با پیشنهاد خودم در میان دانشجویان و طلاب رفته‌ام و مطالبی را گفته‌ام.

علت این حرف آن است زمانی که نامه را می‌نویسم، در بستر بیماری هستم و بعد از هفتاد سالگی که تاریخ مصرفم در حال تمام شدن است، این سخنان را می‌گویم تا متهم نشوم که فلانی کمبود یا نیازی دارد.

از همه‌ی اساتید و فضلاء تقاضا می‌کنم تنها به علوم و کتب و دروس و مدارک و محفوظات رسمی تکیه نکنیم و همه نمره‌ها و بودجه‌ها و تشویقات را به سوی کارهای رسمی سوق ندهیم. و با افراد مختلفی که در رشته‌های گوناگون مهارت دیده‌اند، برخورد یک استاد و مدرس را داشته باشیم، و از مهارت او برای کاربردی کردن علوم نظری استفاده کنیم.

و باید شعار ما این باشد که در کنار حوزه‌ی علمیه، حوزه‌ی عملیه به وجود بیاید. که مثلاً؛

چگونه اختلافات خانوادگی را حل کنیم

و چگونه افراد منحرف را به توبه وادار کنیم.
چگونه مشاوره صحیح و قرآنی به دیگران بدهیم.
چگونه از تعطیلات استفاده صحیح کنیم.
در مجالس عزا و شادی چه برنامه‌ای با چه سبکی و از طریق چه افرادی داشته باشیم.
باید از روز اول کار را افتخار بدانیم نه ننگ!
شاگرد شما، محسن قرائتی
22 دیماه 1395